

ضرورت و جایگاه‌شناسی توثیقات عام در تعدیل روایات و اعتبارسنجی روایت



اشاره

به مناسبت هفته پژوهش، نشست علمی «ضرورت و جایگاه‌شناسی توثیقات عام در تعدیل روایت و اعتبارسنجی روایت» در تاریخ ۲۰ آذر ۱۴۰۲ در سالن اجتماعات مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی برگزار گردید.

در بخش اول این جلسه، حجت‌الاسلام والمسلمین آقای منوچهر آقایی، استاد حوزه علمیه و پژوهشگر حدیث و رجال مرکز نور، به بیان اهمیت و ضرورت اعتبارسنجی روایان و نقش توثیقات عام در این جهت پرداخت و ضمن بیان نمونه‌هایی از کارهای انجام‌شده، گوشه‌ای از فعالیت‌های مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در این جهت را تشریح کرد.

در بخش دوم جلسه، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مهدی غلامعلی، عضو هیئت علمی و استادیار گروه علوم حدیث و رئیس مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث، به‌عنوان ناقد این نشست، تقسیم مطرح‌شده برای شیوه‌های ارزیابی روایان را مورد بررسی و نقد و نظر قرار داد و ضمن بیان نکاتی مرتبط با استفاده از نرم‌افزار درایة النور (نسخه ۳)، پیشنهادهایی برای بهتر شدن آن ارائه کرد.

آنچه از نظر شما می‌گذرد، مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در این نشست علمی است که برای استفاده راحت‌تر خوانندگان گرامی، از صورت گفتاری به نوشتاری روان تبدیل شده است.

کلیدواژگان: توثیقات عام، ارزیابی روایان، اعتبارسنجی حدیث، درایة النور.

پیشینه مرکز نور در حدیث و رجال

در ابتدای این نشست علمی، حجت‌الاسلام والمسلمین حجت باشتنی، در سخنان کوتاهی به معرفی موضوع نشست پرداخت و اظهار داشت:

«یکی از دغدغه‌های اصلی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، از اوان شکل‌گیری، زمینه‌سازی برای تسهیل استفاده از احادیث اهل‌بیت(علیهم السلام) بود. این مرکز از همان ابتدا، از حدیث به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی معارف اسلامی پشتیبانی کرد. از این‌رو، نرم‌افزار حدیث و رجال هم از همان وهله اول مد نظر قرار گرفت. از زمان شروع کار، بحث دانش‌های پیرامونی حدیث، مثل رجال و اعتبارسنجی روایات، مورد توجه بود که با نظارت و هدایت علمی استاد حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدجواد

شبیبری(حفظه الله) شکل گرفت و به نوبه خود در آن زمان، بینظیر بود. نتیجه این کارها، تولید نسخه اول نرم‌افزار «درایة النور» بود که یک نرم‌افزار دانش‌بنیان و علم‌محور بود. در این برنامه، کاربر صرفاً با یک کتابخانه مواجه نیست؛ بلکه با یک نرم‌افزاری مواجه است که حاصل سال‌ها پژوهش است.

یکی از مباحثی که در این پژوهش‌ها به آن توجه شده، اعتبارسنجی احادیث است که در رأس آن، استاد معظم جناب آقای شبیری هستند. از جمله مباحث مطرح در این زمینه، بحث «توثیقات عام» بود که به دلیل ضرورت و جایگاهی که در نظام اعتبارسنجی روایان داشت، مورد توجه بود. این نشست، به این جهت برگزار می‌شود که بدانیم جایگاه توثیقات عام در نظام اعتبارسنجی روایت کجاست؟ و قرار است چه چالش‌هایی را پاسخگو باشد؟ و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در این زمینه چه فعالیتی داشته است؟»

مراحل ارزیابی سند روایات

ارائه‌دهنده بحث در این نشست علمی، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای منوچهر آقایی بود. ایشان اظهار داشت: «در ارزیابی هر روایت و بررسی و سنجش سند و شناسایی و تقویم

حجت‌الاسلام باشتنی:

یکی از دغدغه‌های اصلی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، از اوان شکل‌گیری، زمینه‌سازی برای تسهیل استفاده از احادیث اهل‌بیت(علیهم السلام) بود. این مرکز از همان ابتدا، از حدیث به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی معارف اسلامی پشتیبانی کرد. از این‌رو، نرم‌افزار حدیث و رجال هم از همان وهله اول مد نظر قرار گرفت





راویان، شش مرحله وجود دارد:

مرحله اول: فهم مفاد سند و شناخت کیفیت تسلسل راویان است که باید دید هر منبع حدیثی، به چه نحوه روایات را بیان کرده است.

مرحله دوم: بازشناسی عناوین راویان است که از آن به تمیز مشترکات و توحید مختلفات تعبیر می‌شود. محصول این مرحله، عناوین معیار است که در نرم‌افزار درایة النور آمده است.

مرحله سوم: شناخت اختلالات واقع در عناوین راویان است؛ منظور مواردی مانند: تصحیف، تحریف، قلب، زیادت و سقط است. مرحله چهارم: تقویم و ارزش‌گذاری راویان است. بررسی عدالت، وثاقت، ضبط و مذهب راویان، در این مرحله است.

مرحله پنجم: ارزیابی سند به لحاظ اتصال و انفصال که گاهی از «انفصال»، تعبیر به «ارسال» می‌شود.

مرحله ششم: قواعد ارزیابی روایت است. برای اینکه بتوانیم مرحله ششم را تغذیه کنیم، باید مجموعه‌ای از فرایندها را انجام دهیم؛ از جمله اینکه مکتب مشهور راوی‌محور را لحاظ کنیم؛ یعنی عناوین راویان را نگاه کنیم، توثیق و تضعیفی را که برای آنان در کتاب‌های رجال و سایر منابع آمده، مورد بررسی قرار دهیم و سه مکتب: تجمیع القرائن، نقد القرائن و فهرست‌محوری را لحاظ کنیم.»

چالش‌های ارزیابی راویان

منوچهر آقایی در ادامه سخنان خود به موضوع چالش‌های ارزیابی راویان اشاره کرد و گفت:

«در بین این مراحل، آنچه محل بحث است، مرحله چهارم است که باید راویان را جرح و تعدیل کنیم. قبل از آن، لازم است اشاره کنم که توثیق، به دو شکل انجام می‌شود: توثیق خاص و توثیق عام. ابتدا از توثیق خاص سخن می‌گوییم. وقتی به کتاب رجالی، مثل رجال نجاشی مراجعه کنیم، خواهیم دید که در مورد یک راوی یا چند راوی مشخص، توثیق خاص بیان شده و تعبیری مانند: «ثقة»، «عین» و «جلیل» بیان شده است. وقتی بخواهیم در این مرحله، جرح و تعدیل راویان را انجام دهیم، با چالش‌هایی جدی مواجه هستیم. قبل از بیان چالش‌ها، باید یک مقدمه بگوییم. در مکتب راوی‌محور حله، مرحوم علامه حلی حدیث را به چهار قسم: صحیح، موثق، حسن و ضعیف تقسیم کردند. تمام این تقسیم، بر اساس راویان بود. محور این تقسیم، راویان اند. مکتب حله می‌خواست راویان را بررسی کند و بعد از آن، سند را درست کند و بعد آن را ارزیابی کند. این مکتب، طبیعتاً با چالش‌هایی روبه‌رو شد. بنده چند چالش عمده را شمرده‌ام:

چالش اول: راویان مهمل و مجهول. راوی مهمل، کسی است که شخصیت او معلوم است؛ ولی توصیف حاکی از جرح و تعدیل ندارد. طبق آماری که استخراج شده، از حدود ۶۷۰۷ راوی که در کتب ثمانیه رجالی هستند، تنها نسبت به بیست‌وپنج درصد

از راویان، توصیفی آمده است که همه این توصیفات به جرح و تعدیل راویان نمی‌انجامد.

چالش دوم: برای برخی راویان، توصیفات آمده است که با آن نمی‌توان وی را جرح یا تعدیل کرد؛ مثلاً در باره او گفته شده، شاعر است؛ یا کنیه و القاب آنها را بیان کرده است.

چالش سوم: برخی از راویان، در کتاب‌های حدیثی نام آنها آمده است که در کتاب‌های رجالی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند و به عکس، برخی راویان در کتاب‌های رجالی نامشان آمده که در اسناد احادیث نیستند.

چالش چهارم: بسیاری از راویان پُرحدیث، در کتاب‌های رجالی و حدیثی توصیفی که بتواند آنها را جرح و تعدیل کند، ندارند؛ مثلاً نام ابراهیم بن هاشم در حدود ۲۲۰۰۰ سند، احمد بن محمد بن یحیی در ۱۲۴۶۰ سند، ابن ابی‌جید در حدود ۱۸۳۹۹ سند و احمد بن محمد بن حسن بن ولید در ۵۰۰ سند واقع شده است؛ اما با اینکه دارای کثرت روایت هستند و جزء راویان مشهورند، توصیفی که گویای جرح و تعدیل آنها باشد، در دست نداریم. ممکن است کسی بگوید با توجه به شهرت آنها، دیگر نیازی به توصیف و جرح و تعدیل آنها نیست که باید گفت، از سوی دیگر، راویان مشهوری مثل مرحوم شیخ صدوق و شیخ مفید را داریم که در کتاب‌های

حجت الاسلام آقای:

در مکتب راوی محور حله، مرحوم

علامه حلی حدیث را به چهار

قسم: صحیح، موثق، حسن و ضعیف

تقسیم کردند. تمام این تقسیم، بر

اساس راویان بود. محور این تقسیم،

راویان‌اند. مکتب حله می‌خواست

راویان را بررسی کند و بعد از آن،

سند را درست کند و بعد آن را

ارزیابی کند. این مکتب، طبیعتاً با

چالش‌هایی روبه‌رو شد

رجالی توصیف دارند.

چالش پنجم: تعارض‌هایی بین جرح و تعدیل راویان دیده می‌شود؛ مثلاً شیخ طوسی، فردی را توثیق کرده؛ ولی نجاشی وی را تضعیف کرده است.»

راهکارهای برون‌رفت از چالش‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین آقای به بیان راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های یادشده پرداخت و خاطر نشان کرد:

«برای برون‌رفت از این چالش‌ها، چهار راهکار ارائه شده است که عبارت‌اند از:

۱. راهکار اعتبارسنجی بر اساس ارائه تحلیل فهرستی؛ ۲. راهکار اعتبارسنجی بر مبنای نقد‌المتن؛ ۳. راهکار اعتبارسنجی بر اساس تجمیع القرائن؛ ۴. راهکار اعتبارسنجی بر مبنای توثیقات عام.

بین این چهار راهکاری که ارائه شده، سه مورد اول، ملزومات خاصی را می‌طلبد؛ مثلاً در راهکار «تجمیع القرائن»، باید نسبت به قرائن متنی، تفحص کرد که آیا قرائن متنی با کتاب، سنت قطعی و عقل قطعی موافق است؟ اینها هنوز تجمیع نشده تا روایات را بر اساس آنها تبویب کنیم. همچنین، باید بحث: تبویب روایات، تخلص و جداسازی روایات متکرر، متحدیابی روایات و نیز بحث منبع‌شناسی روایت را داشته باشیم. آنچه در خصوص این موارد انجام شده، ناقص است؛ مثلاً حضرت استاد شبیری، نسبت به کتاب تهذیب تقریباً می‌شود گفت منبع‌شناسی را انجام داده است؛ ولی خود ایشان هم فرموده که آن کاری که انجام شده، هنوز کامل نیست و یک کار بیست تا سی درصدی است.

با این توضیحات، بهترین چیزی که می‌تواند پایه کار جرح و تعدیل راویان قرار گیرد، بحث توثیقات عام است. در توثیقات عام، زیرساخت‌هایش آماده است. تفحص کاملی در باره راویان انجام شده است. به همین جهت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بنا را بر این گذاشت که توثیقات عام را پیاده کند.

ابتدا بگویم توثیق عام یعنی چه؟ توثیق عام، یعنی اینکه توثیق راویان، از طریق یک دسته قواعد کلی احراز می‌شود؛ مثلاً شیخ طوسی در کتاب عدة الأصول در خصوص ابن‌ابی‌عمیر، صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی می‌گوید: «لا یروون ولا یرسلون إلا عن ثقة.» مشایخ ابی‌ابی‌عمیر با این بیان شیخ طوسی که یک قاعده کلی است، توثیق می‌شوند.»



نقش توثیقات عام در ارزیابی روایان

آقای، استاد حوزه علمیه و پژوهشگر رجال و حدیث مرکز نور در مورد نقش توثیقات عام در ارزیابی روایان اظهار داشت:

«سؤالی که مطرح می‌شود، این است که توثیق عام در باره روایان مهمل و مجهول چه کمکی می‌کند؟ با بررسی‌ها مشخص شد، ما حتی روایان ضعیفی هم داریم که دارای توثیق عام هستند. بنده نموداری از روایان پُرحدیث دارای توثیق عام تهیه کرده‌ام؛ مثلاً احمدبن محمدبن حسن بن ولید در ۱۵۱۳۲ سند واقع شده است. ایشان مهمل است؛ اگر ما همین اهمال را در نظر بگیریم، تمام روایات وی را باید کنار بگذاریم؛ ولی نسبت به همین بزرگوار، توثیق عام وجود دارد. یا مثلاً احمدبن محمدبن یحیی عطار، مهمل است؛ ولی اکثر اجلاء نسبت به ایشان وجود دارد. یا علی بن حسین سعدآبادی، مهمل است؛ اما جزء مشایخ ابن قولویه است و اکثر اجلاء را دارد.

روایان تضعیف‌شده‌ای هم هستند که دارای توثیق عام می‌باشند؛ آنها هم آمارشان بالاست؛ مثلاً سهل بن زیاد آدمی در ۶۰۰۰ سند واقع شده؛ ولی نسبت به ایشان هم اکثر اجلاء وجود دارد.

در نرم‌افزار درایة النور، بخشی هست که اسناد صحیح و موثق را مشخص می‌کند. ما آماری از اسناد صحیح و موثق بدون در نظر گرفتن روایان مهمل را استخراج کرده‌ایم؛ یعنی اگر این روایان مهمل را در نظر نگیریم، آن اسناد صحیح یا موثق می‌شوند؛ مثلاً نسبت به احمدبن محمدبن حسن بن ولید ۱۲۸۰۰ سند هست که اگر مهمل بودن آنها را در نظر بگیریم، کلاً این اسناد را باید کنار گذاشت. یا نسبت به احمدبن محمدبن یحیی عطار که در ۹۸۰۰ سند که ما بازسازی کردیم، جزء اسناد صحیح است که اگر مهمل بودن او را مدنظر قرار دهیم، همه این احادیث از اعتبار ساقط می‌شوند.

بنابراین، توثیقات عام مورد توجه قرار گرفته‌اند و کارهایی که تاکنون انجام شده، به لحاظ ساختاری و زیرساختی خوب بوده است. بحث‌هایی را جناب استاد آقای شبیری داشتند که حدود ۱۲۰۰ صفحه درباره توثیقات عام بحث کرده بودند؛ ما آن را به‌عنوان پایه درس‌های توثیقات عام قرار دادیم. ایشان مباحثش را بر اساس کتاب الفوائد الرجالیة مرحوم بهبهانی تنظیم کرده بودند. ما هم بر اساس آن، درختواره‌ای تنظیم کردیم و این توثیقات

حجت الاسلام آقایی:

بهترین چیزی که می تواند پایه کار جرح و تعدیل راویان قرار گیرد، بحث توثیقات عام است. در توثیقات عام، زیرساخت‌هایش آماده است. تفحص کاملی در باره راویان انجام شده است. به همین جهت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بنا را بر این گذاشت که توثیقات عام را پیاده کند.

ابتدا بگویم توثیق عام یعنی چه؟ توثیق عام، یعنی اینکه توثیق راویان، از طریق یک دسته قواعد کلی احراز می شود

شروط زیادی هم دارد و افراد بسیاری را هم توثیق می کند، توثیق اکثر اجلاء هست و هشت شرط دارد که همان مشایخ مستقیم و بلاواسطه بودن هست. برای اینکه به این شیخ بلاواسطه بودن برسیم، راهکارهایی وجود دارد که بعداً به آن می پردازیم. می شود گفت حدوداً سه مرحله هست؛ ما دو مرحله را اینجا آوردیم که شناسایی اختلالات هست و آن مرحله آخری هم که به آن پرداختیم، بحث تمییز مشترکات و توجید اختلافات است که ما را در رسیدن به مشایخ بلاواسطه کمک می کند.»

شیوه‌های اعتبارسنجی روایات

ناقد این نشست علمی، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین غلامعلی بود که سخنان خود را در دو بخش ارائه نمود. ایشان در بخش اول، به بیان شیوه‌های اعتبارسنجی پرداخت و گفت:

«خدا را شاکر هستیم که عمر ما را در نظام مقدس جمهوری اسلامی قرار داد و مفتخریم رهبری فرزانه‌ای داریم که دانشمند و اسلام‌شناس و حدیث‌پژوه و رجال‌دوست است و تراوش‌های فکری ایشان، یکی از برکاتش همین مؤسسه فخریم و ارزشمند نور است که امروز در اینجا گرد هم آمدیم و واقعاً باید خدا را شکر کنیم. این نعمت پژوهشی که امروز به سرعت انجام می شود، حاصل تلاش ده‌ها پژوهشگری است که بسترش را امام عزیز ما و رهبر انقلاب فراهم آوردند. من مراتب قدرشناسی خودم را از مسئولان محترم این مرکز هم ابراز می دارم.

بحث من، در دو محور ارائه می شود. یکی در مورد خود توثیقات عام صحبت می کنم و دیگری، در باره برنامه درایة النور. اعتبارسنجی

عامی را که توسط ایشان بحث شده بود، به نظم در آوردیم. می دانیم که در باره توثیقات عام آنچه در کتاب الفوائد الرجالية بحث شده، حدود ۵۷ قرینه عام بر تعدیل یا تضعیف راویان است که البته برخی از اینها، توثیق خاص هستند. با پالایشی که کردیم، حدود ۴۱ مورد از اینها توثیق عام بود. بعد بنده دوباره تفحص دیگری کردم و حدود ۱۲ مورد دیگر، به اینها اضافه شد که مجموعاً ۵۲ مورد توثیق عام شد. بعد، پیاده‌سازی و تطبیق میدانی آنها انجام شد؛ مثل مشایخ ثلاث و مستثنیات ابن‌ولید که تا به الآن، روی ۲۶۵ عنوان معیار توثیقات عام را پیاده کرده‌ایم که در درایة النور به عنوان «علی التحقیق» مطرح هست. به طور مشخص درباره مشایخ ثلاث ۱۰۳ عنوان معیار را توثیق کرده ایم؛ و نسبت به مشایخ جعفر بن بشیر و محمد بن اسماعیل، ۱۶ عنوان معیار را توثیق کرده‌ایم. درباره اکثر روایات اجلاء هم ۸۹ مورد انجام شده است. حدوداً از بین اینها، آنچه انجام شده، ۹ توثیق عام است که مطابق با مبانی جناب استاد شبیری بوده است؛ از بین آن ۵۲ مورد مشایخ ثلاث و مشایخ بلاواسطه جعفر بن بشیر و محمد بن اسماعیل و چند مورد دیگر است که مجموعاً ۹ مورد هستند. هر کدام از این توثیقات عام دارای شرایطی هستند مثلاً نسبت به اکثر اجلاء یا مشایخ جعفر بن بشیر یا زعفرانی یا ابن‌عسّی اشعری، آن مشایخی مد نظر هست که مشایخ بلاواسطه باشند؛ یعنی اولین شرط آن، شیخ بلاواسطه بودن هست. برای اینکه این را احراز کنیم، با یک سری چالش‌ها روبه‌رو بودیم. به منظور حل این چالش‌ها، راهکارهایی را مرکز نور طی کرده است که من نمی‌خواهم فعلاً به آنها پردازم. هر کدام از توثیقات، شروطی دارد. عمده‌ترین توثیق عامی که

«خبر ثقة عن ثقة» است و مصداق بارز آن، مرحوم آقای خوئی بودند. یکی دیگر هم آن حالت تجمیع قرائن است. در اعتبارسنجی قرائن هم اگر بنا باشد دقیق کار کنیم، سه محور در آن هست: محور اول: منبع حدیث؛ محور دوم: سند حدیث؛ یعنی مثلاً جناب کلینی روایت را چگونه از امام صادق(علیه السلام) نقل کرده است؟ محور سوم: متن حدیث.

پس، من این گونه تقسیم‌بندی می‌کنم: شیوه رجالی و شیوه قرائنی. حالا در شیوه قرائنی، بعضی می‌گویند فهرستی، برخی می‌گویند تحلیل متن و بعضی می‌گویند در اعتبارسنجی حدیث، منبع، سند و متن تأثیر دارد. به‌رحال، در کتاب کافی روایت دارای سند صحیح و متن مشکل‌دار هست. گرچه کم است، اما هست. در این موارد، اگر با شیوه سندی، اعتبارسنجی کنیم، باید این روایات را قبول کنیم؛ اگر هم فقط به متن توجه کنیم، بقیه روایت را چه کنیم؟

مرحوم علامه حلی یا استاد بزرگوارشان، سید احمدبن طاووس، برادر سیدبن طاووس که کتاب مشهور اقبال را دارد - هرکدام که پایه‌گذار این شیوه «خبر ثقة عن ثقة» باشند - وقتی این شیوه را ابداع کردند، دیدند به مشکل برمی‌خورند و خیلی از روایان، واقعاً توثیق و تضعیف ندارند. برای برون‌رفت از این مشکل، توثیقات عام را درست کردند. علامه حلی در خلاصه الأقوال قواعدی را در لابه‌لای عبارتش بیان کرده تا اینکه تعداد قابل توجهی قاعده درست شده است.

در بررسی هر توثیقی که می‌بینیم، سه سؤال در باره آن مطرح

حدیث، کلاً به دو شیوه انجام می‌شود: یا به شیوه رجالی که «خبر ثقة عن ثقة» هست که از علامه حلی به این طرف، مدوّن شده است؛ یعنی فرمولی است که تک‌تک روایان باید بررسی بشوند و در این مسیر، سه کار باید انجام شود: اول: بررسی اتصال سند؛ دوم: راوی‌شناسی؛ سوم: حکم سند. البته حکم سند مربوط به علم رجال نیست؛ بلکه درایه است؛ چون کار رجال، راوی‌شناسی است. شیوه دوم هم شیوه تجمیع قرائن است.

در اعتبارسنجی حدیث، بحثی به‌عنوان تجمیع قرائن هست که نوعی اطمینان‌دهنده برای ما حاصل کند. در بیان عزیزان بود که موارد چهارگانه‌ای را مطرح کردند؛ مثلاً اعتبارسنجی روایت بر اساس تحلیل فهرستی را آوردند. این تحلیل فهرستی، شیوه بزرگوارانی مثل مرحوم محمدتقی مجلسی است که در این زمینه، اشاره‌ای داشته است؛ ولی امروزه به نام استاد بزرگوار، حضرت آیت‌الله مددی شناخته می‌شود. این تحلیل فهرستی را خیلی از عزیزان و خود استاد هم می‌گفتند که بخشی از همان قرائن هست؛ یعنی یک شیوه قرائنی است. پس، قسیم نیست. یکی دیگر هم اعتبارسنجی روایت بر اساس نقد متن است که اخیراً مقداری به آن دامن زده شده و مورد بحث قرار گرفته است. این هم از قبیل تجمیع قرائن است؛ یعنی از یک قرائنی اعتبار یک روایت را بررسی می‌کنید.

پس، از چهار شیوه‌ای که گفتید، همه همان بحث تجمیع قرائن است؛ اما توثیقات عام هم قسیم آن نیست؛ بلکه همان شیوه رجالی است. بنابراین، ما یک شیوه رجالی اعتبارسنجی داریم که



«**اول:** برنامه درایة النور جدید (نسخه ۳)، مانند نسخه قبل، چندان خوش‌دست نیست و کاربر با این حجم از اطلاعات، به‌سختی می‌افتد؛ زیرا کاربر در درایة النور، دنبال سند است. چرا این قدر اطلاعات مختلف پیش چشم او قرار داده‌اید که نتواند راحت با آن ارتباط برقرار کند. درایه، شامل اطلاعات خوبی هست؛ اما کاربر به‌راحتی با آن مأنوس نمی‌شود؛ مثلاً معرفی خوبی از کافی و من لایحضره الفقیه در درایة النور با قلم استاد سید جواد شبیری آمده است که افراد به‌راحتی آن را نمی‌توانند پیدا کنند.

دوم: این مطلب را فرمودید ۹ توثیق عام را قبول دارید، در کجای برنامه درایة النور به کاربر گفته‌اید؟ مباحث توثیقات عام و این آمار که ارائه شد، باید در برنامه عرضه شود و خیلی هم کاربردی است.

سوم: این برنامه، با مبانی اختصاصی استاد آقای شبیری تهیه و ارائه شده است. اگر این برنامه بخواهد توثیقات و تضعیفات را به ما معرفی کند، نباید منحصر در دیدگاه‌های یک نفر باشد. این ۹ موردی که به‌عنوان توثیق عام، حضرت استاد قبول دارند، چند

حجت الاسلام غلامعلی:

اگر بخواهیم بدانیم که توثیق عام از کجا شروع شد، باید گفت از آنجا که کتاب‌های رجال ما اندک بود و توثیق و تضعیف‌ها کم بود. به همین جهت، به توثیقات روی آوردند. چرا اهل سنت سراغ توثیقات عام نرفتند؟ چون غالب راویان آنها، توثیق و تضعیف دارند. ما هم اگر ده‌ها گزارش در مورد محمدبن سنان یا سهل بن زیاد داشتیم، سراغ توثیق عام نمی‌رفتیم.

پس، ابتدا جناب علامه حلی در خلاصه الأقوال، بعد جناب فخرالدین طریحی در جامع المقال و بعد آن کسی که در این عرصه به طور جدی اظهار نظر کرد، مرحوم وحید بهبهانی بود. ایشان در حدود دویست سال قبل، در کتاب الفوائد الرجالیة خود که ضمن رجال خاقانی چاپ شده، پنجاه و چند نوع توثیق عام بیان کرد و در مقابل اخباری‌ها ایستاد. در حقیقت، ایشان برای اعتبارسنجی به مشکل خورده بود و در نهایت، این قواعد عام را درست کرد. پس، ضرورت توثیقات عام به دلیل وجود خلأیی بوده که در کتاب‌های رجالی ما وجود داشته است.»

است: **اول:** این توثیق، از چه کسی است و آیا قابل قبول است؟ **دوم:** مستند آن چیست؟ **سوم:** شرایط آن چیست؟ بنابراین، اگر سؤال کنیم که جناب علامه حلی روی چه حساب می‌گوید: وکیل، ثقة هست؟ مستندش چیست؟ اگر مستندش آیه «ولا ترکوا إلی الذین ظلموا» هست، آیا روایت هم دارد؟ بله، فلان روایت هست. پس، اصل استفاده از توثیقات عام و توثیقات خاص، در بررسی سندی به درد می‌خورد.

شیوه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی در بررسی حدیث و اعتبارسنجی، اصلاً رجالی نیست؛ بلکه ایشان روایت را که می‌بیند، می‌گوید ببینیم فتوای مشهور قداما چیست. هرچه قداما داده‌اند، آن را قبول می‌کند؛ حتی اگر مستندش یک روایت مرسل باشد. یا مرسلی در یک کتاب ضعیف باشد. می‌گوید چون فتوای مشهور این بوده، من این روایت را قبول می‌کنم. اگر هم در جای فتوای مشهور نباشد، مثلاً می‌گوید: اگر افرادی مثل: شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی نقل کرده باشند، آن را قبول می‌کنم. این هم نبود، می‌آید سراغ تضعیفات سندی. مرحوم آیت‌الله بروجردی با اینکه قرائنی هست، تمام توثیقات عام را برخلاف مرحوم آیت‌الله خوبی، قبول می‌کند.

اگر بخواهیم بدانیم که توثیق عام از کجا شروع شد، باید گفت از آنجا که کتاب‌های رجال ما اندک بود و توثیق و تضعیف‌ها کم بود. به همین جهت، به توثیقات روی آوردند. چرا اهل سنت سراغ توثیقات عام نرفتند؟ چون غالب راویان آنها، توثیق و تضعیف دارند. ما هم اگر ده‌ها گزارش در مورد محمدبن سنان یا سهل بن زیاد داشتیم، سراغ توثیق عام نمی‌رفتیم.

پس، ابتدا جناب علامه حلی در خلاصه الأقوال، بعد جناب فخرالدین طریحی در جامع المقال و بعد آن کسی که در این عرصه به طور جدی اظهار نظر کرد، مرحوم وحید بهبهانی بود. ایشان در حدود دویست سال قبل، در کتاب الفوائد الرجالیة خود که ضمن رجال خاقانی چاپ شده، پنجاه و چند نوع توثیق عام بیان کرد و در مقابل اخباری‌ها ایستاد. در حقیقت، ایشان برای اعتبارسنجی به مشکل خورده بود و در نهایت، این قواعد عام را درست کرد. پس، ضرورت توثیقات عام به دلیل وجود خلأیی بوده که در کتاب‌های رجالی ما وجود داشته است.»

نرم‌افزار درایة النور

دکتر مهدی غلامعلی، در محور دوم سخنان خویش به معرفی نرم‌افزار درایة النور پرداخت و نکاتی چند را یادآور شد:

«چند نکته هم به عنوان پیشنهاد برای برنامه درایة النور یا کارهای رجالی در حال انجام در این مرکز بیان می‌کنم:

یکم: مستندات توثیقات عام را در برنامه درایة النور ارائه کنید.

دوم: در درایة النور، امکان بومی‌سازی توثیقات عام برای کاربر فراهم شود.

سوم: بنده مکرراً از خود استاد شبیری شنیده‌ام که می‌فرمود: اسناد، خودش منبع دانش رجال است. یکی از بهترین اسناد، طرقي هست که در فهرست شیخ طوسی و نجاشی وجود دارد و دیگر، اسنادی هست که در رجال کشی آمده است. اگر همین کاری که برای اسناد کتب اربعه و وسائل الشیعه و کتب شیخ صدوق شده، برای اینجا هم انجام بشود، یعنی توحید مختلفات دیده شود، تمییز مشترکات انجام شود، خیلی برکات دارد و ان شاء الله برای نوشتن ده‌ها پایان‌نامه قابل استفاده است.»

بررسی نکات مطرح شده درباره درایة النور

در ادامه جلسه، جناب استاد آقای، در وقت دوم خود، به بیان پاسخ‌ها و بررسی نکات مطرح شده توسط ناقد محترم پرداخت که مهم‌ترین آنها از نظر خوانندگان می‌گذرد:

«ابتدا تشکر می‌کنم از استاد محترم که دقت‌های خوبی داشتند. در ارتباط با فرمایش ایشان، چند نکته را عرض می‌کنم:

نکته اول: فرمودید در برنامه درایة النور، توثیقات عام نیامده است؛ درحالی که در این نرم‌افزار در قسمت راوی، توثیقات عام آمده است؛ حتی تعداد عناوین معیاری که کار شده، اینجا ۲۸۳ تعبیر «علی التحقیق» به آنها اختصاص یافته است که اینها در واقع، توثیقات عام و استظهارات است.

نکته دوم: در همین جلسه، قائلان آن چهار راهکار را پیدا کردم که خود توثیق عام را برخی نگاه روایتی دارند؛ یعنی این توثیق عام، روایت را معتبر می‌کند. برخی هم نگاه اعتبار راوی دارند؛ یعنی این توثیق عام، راوی را معتبر می‌کند، نه روایت را. مثل اصحاب اجماع که باعث معتبر شدن روایت می‌شود، نه راوی. طبیعتاً خود این توثیق عام، به عنوان یک قرینه هم‌تراز با قرائن دیگر مطرح می‌شود؛ یعنی می‌شود توثیق عام را به عنوان اینکه مکتب راوی محوری را تغذیه می‌کند، هم‌عرض آن قرائن دیگر مطرح نمود.

اما رویکرد نقد المتنی، اصلاً کاری به سند ندارد؛ بلکه به متن نگاه می‌کند. اگر موافق با سنت قطعی و عقل و شهرت هست،

مورد از آنها را بقیه آقایان قبول دارند؟ می‌دانید که برخی آنها را یا تعدادی از آنها را قطعاً قبول ندارند. یا باید اول برنامه اعلام کنیم که اینها بر اساس نظرات حضرت آقای سید محمدجواد شبیری زنجانی است یا باید به پیشنهاد من به مشهورات عمل کنیم. در هر بحث، ببینید که مشهور چه گفته است؟ مشهور، مثلاً اکثر اجلاء را با این شرط قبول نکرده و این هم نظر اختصاصی استاد شبیری هست. یا مشهور، مشایخ ثقات را قبول کرده و این هم نظر اختصاصی مرحوم آقای خوبی هست که قبول نکرده است. پس، اگر به مشهورات عمل کنیم، یک مقدار قابل قبول‌تر است. کاری که مرحوم علامه مجلسی در مرآة العقول کرده، این بوده که با اینکه خودش اخباری هست و همه روایات را قبول دارد، می‌گوید نظر من، این است که تمام کافی قابل قبول است؛ اما بنا بر مشهور، این روایت، مثلاً قوی، صحیح یا ضعیف است.

چهارم: به نظر می‌رسد که حتی نسبت به بعضی از نظرات خود جناب استاد شبیری هم به طور دقیق در این برنامه پایبند نبوده‌اید. من دقیق نمی‌دانم؛ اما این نظریه ایشان را یادم هست که می‌فرمود: اکثر روایات کلینی از مشایخ خودش، دلالت بر توثیق آن استاد می‌کند. اگر این مطلب درست است و منتسب به ایشان است، نکته‌ای که هست، این است که کثرت نقل شفاهی که روشن است؛ حال آیا اکثر اجازات هم همین طور است؟ مثلاً ایشان اجازه دارد به کتاب یونس بن عبدالرحمن، یا به کتاب سهل بن زیاد. این هم یک نوع اکثر است؛ چون وقتی اجازه داشته باشد به یک کتاب، سیصد روایت برای شاگردش از آن کتاب بیان می‌کند. حال، آیا اکثر، این موارد و این اجازات را هم در برمی‌گیرد؟ ظاهراً بقیه آقایان که اکثر را مطرح می‌کنند، اجازات را مد نظر قرار نمی‌دهند. به نظرم همین مبنای استاد شبیری هم در اینجا قابل تأمل است. من این را به عنوان اشکال نمی‌گویم؛ بلکه به عنوان سؤال می‌پرسم.

در مجموع، به نظرم برنامه درایة النور، یک برنامه علمی است و با بقیه برنامه‌ها یا غالب برنامه‌های نور متفاوت است. بحمدالله، خیلی خوب روی آن کار شده است و پشتوانه آن، یک کار پژوهشی قوی توسط یک گروه علمی بوده و هست.»

پیشنادهایی برای برنامه درایة النور

دکتر غلامعلی، عضو هیئت علمی و استادیار گروه حدیث دانشگاه قرآن و حدیث، در ادامه مطالب خویش، به ارائه پیشنهادهایی در باره برنامه درایة النور مبادرت ورزید و خاطر نشان کرد:

حجت الاسلام آقایی:

نگاه ما در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، یک نگاه فرافردی است؛ یعنی این مرکز، نگاهش این نیست که به یک مبنا بسنده کند. رویکرد این هست که به سمتی برود تا تمام مبانی قابل ارائه و قول معتنابه را بیاورد و قابلیت آن را در نرم افزار درایة النور بگذارد که اگر کاربر مثلاً مبنای مرحوم آیت الله خوئی را انتخاب کرد، وضعیت اسناد متناسب با آن مبنا عوض شود. این کار، پی ریزی شده و می شود

دارد که ما در مراحل بعدی، می خواهیم این تفاوت مبنا را بیاریم و نتیجه این تفاوت را به کاربر نشان دهیم.

نکته چهارم: استاد شبیری، کثرت روایت را نسبت به اجازات هم قبول کرده است؛ حتی ایشان سؤالی ایجاد می کند که نسبت به «اخبارنا» و «حدثنا»هایی که در کتابهای تهذیبین یا الکافی آمده، آیا اجزاهای هست یا نه؟ ایشان احتمال اجازه ای می دهند. می گویند آنجایی هم که بحث مشایخ اجازه باشد، اکتار آنها را هم قبول می کنیم. البته چند شرط می گذارد، ولی قبول می کند.

نکته پنجم: ما در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، مستندات و توثیقات را کار کردیم؛ چه طبق مبنای استاد شبیری و چه طبق مبنای مشهور. همین الآن، مستندات آن آماده است و کار شده و تا آنجایی که یادم هست، ۲۵ کتاب رجالی را بنده خودم تفحص کردم تا مستندات اینها را پیدا کنم. ان شاء الله در نسخه های بعد، خواهد آمد تا تعبیرهای «علی التحقیق» را بهتر توضیح دهد.

نکته ششم: نگاه ما در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، یک نگاه فرافردی است؛ یعنی این مرکز، نگاهش این نیست که به یک مبنا بسنده کند. رویکرد این هست که به سمتی برود تا تمام مبانی قابل ارائه و قول معتنابه را بیاورد و قابلیت آن را در نرم افزار درایة النور بگذارد که اگر کاربر مثلاً مبنای مرحوم آیت الله خوئی را انتخاب کرد، وضعیت اسناد متناسب با آن مبنا عوض شود. این کار، پی ریزی شده و می شود. در مرکز، روی توثیقات عام، انصافاً کارهای ارزشمندی تا به حال شده است. ما اکنون داریم آن مکتب

می پذیرد. سند، مهم نیست. اصلاً سند هم نداشته باشد، مهم نیست. پس، اصلاً رویکرد آن، سندی نیست.

اما رویکرد تجمیع القرائتی، می گوید تمام قرائن باید لحاظ شود؛ هر چند این توثیق عام به عنوان یک قرینه هم بتواند مطرح باشد.

نکته سوم: کاری که در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی شده، نمونه ای از پیاده سازی توثیقات عام است. این ۹ قرینه را فعلاً قرار دادیم. مرحله بعد، سراغ قرائتی خواهیم رفت که مرتبط با همین ۹ مورد است؛ مثلاً نسبت به توثیق عام اصحاب اجماع، حداقل ۵ قول مطرح است که برخی می گویند: اصحاب اجماع، تمام راویان بعد از آن تا معصوم را توثیق می کند؛ اما بعضی دیگر می گویند: فقط راوی بعد از آن را توثیق می کند.

یک قابلیت را ان شاء الله در همین درایه ایجاد خواهیم کرد که همان بحث درج ارزیابی است؛ مثلاً اگر کاربر اصحاب اجماع را انتخاب کند، تأثیرش در اسناد چگونه خواهد بود؟ یا مثلاً در بحث مشایخ ثلاث، دو رویکرد وجود دارد: یک رویکرد، این است که شهادت شیخ طوسی در عده الأصول، رویکرد تعددی است؛ یعنی از باب تعدد، اعتبار راویان را قبول می کنیم؛ نه از باب اجتهاد. در مقابل این رویکرد، رویکرد دیگری وجود دارد که می گوید مرحوم شیخ طوسی، این شهادتی که داده، بر اساس استقرا و اجتهادی بوده که انجام داده است. حضرت آیت الله آقا موسی شبیری زنجانی، تحقیق مفصلی در خصوص اصحاب اجماع و مشایخ ثلاث انجام داده است و خواسته این را ثابت کند که شهادتی که شیخ طوسی داده است، بر اساس اجتهاد بوده است. پس، تفاوت مبنا هم وجود



حجت الاسلام آقایی:

قابلیتی را که ان شاءالله در همین درایه ایجاد خواهیم کرد، بحث درج ارزیابی است؛ مثلاً اگر کاربر اصحاب اجماع را انتخاب کند، تأثیرش در اسناد چگونه خواهد بود؟ یا مثلاً در بحث مشایخ ثلاث، دو رویکرد وجود دارد که یکی از آنها این است که شهادت شیخ طوسی در عده الاصول، رویکرد تبعدی است؛ یعنی از باب تعبد، اعتبار راویان را قبول می کنیم؛ نه از باب اجتهاد



راوی محور را دنبال می کنیم؛ نه مکتب تجمیع قرائن در روایت را. چون اگر برویم سراغ آن، طبیعتاً خیلی از این مباحثی که هست، به چالش کشیده می شود. ما ان شاءالله در آینده، تمام مبانی را لحاظ خواهیم کرد.»

نکات پایانی

در پایان این نشست علمی، ناقد محترم جناب استاد غلامعلی، در وقت دوم خود چند نکته پایانی را بیان کرد و گفت:

«در باره مطالبی که بیان شده، چند نکته به صورت مختصر به عرض می رسانم:

نکته اول: آنچه شایسته انجام است، این است که این ساحت علمی، در این مجموعه کامل انجام شود؛ یعنی اینکه به هر حال، این نظرها و انظار، قائلانی دارد، بله درست است؛ ولی واقعاً شاکله علمی در مشهور بین رجالیون ما، غیر از مثلاً وثاقت صدوری و وثاقت سندی چیست؟ اینکه بگوییم درست هست؛ بله، ممکن است که یک نظری را بیابیم و به آن توجه کنیم و رفته رفته در نسل بعدی، یک نظر کوچک و خاص به عنوان مثلاً نظر حوزه علمیه تلقی شود. ما نباید قولی را احداث کنیم که بعداً مثلاً دو

نسل آن طرف تر، بگویند یک چنین قولی بوده است. بعد نگاه کنند ببینند که قائل آن یک نفر یا دو نفر بیشتر نیست.

نکته دوم: اینکه شما می فرمایید با یک توثیق عام ساده، ۲۲۰۰۰ سند را حل می کند، همین توثیق ساده را مرحوم آقای خوبی قبول ندارد. اگر من بخواهم اطمینان حاصل کنم که این فرمایش، فرمایش معصوم هست، اگر بنا بر این است که قضاوت کنیم در باره حدیث، باید روی مبنا باشد.

نکته سوم: اینکه درایه النور جدید را نشان دادید، خیلی خوب بود؛ نکات قشنگی دارد و برخی اشکالات من، حل شد. ان شاءالله صبر می کنم تا نسخه جدید هم خوش دست تر بشود.

نکته چهارم: در فهم واژگان توثیق و تضعیف، پیشینه و فهم عبارت های اهل سنت را هم بررسی کنید. خیلی از این عبارت های که در رجال ما آمده، دویست سال قبل از آن، بخاری در تاریخ الکبیر آورده است. اخیراً یکی از دانشجویان، توثیقات عام مشترک بین شیعه و سنی را گردآوری کرده است. اول فکر می کردیم که اهل سنت توثیق عام ندارند؛ اما الان ایشان آنها را گردآوری کرده و تبدیل به مقاله کرده است. توثیقات عامی هست که شیعه دارد و اهل سنت هم دارند. بعضی از اینها را ما اطلاع نداریم؛ چون در مراکز مثل بغداد، دانشمندان شیعه می خواستند استاندارد صحبت کنند؛ باید یک طوری صحبت می کردند که از جهت علمی، به آنها اشکالی وارد نباشد. البته یادآور شوم که ما هیچ وقت دنبال دریافت علم از آنها نبودیم، بلکه روی همان خط کشی خودمان رفته ایم؛ اما در نوشتن کتاب علمی، به آنها توجه می شده است؛ مثل این است که کسی الان بخواهد کتابی را به زبان بین المللی بنویسد، باید به انگلیسی بنویسد. نجاشی اگر می خواهد در بغداد یک کتابی را در جواب اهل سنت بنویسد، باید چیزی بنویسد که آن آقای سنی هم آن را بفهمد. پس، وقتی می گوید: «ثقة ثقة»، «صحيح الحديث» و یا «متروک الحديث»، اینها بعضی از اصطلاحات علمی مرسوم در آن زمان بوده است که حضرات می نوشتند. ■